



امام خمینی رحمته الله

روز عید غدیر روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبقه حکومت را معین فرمودند و الگوی حکومت اسلامی را تا آخر تعیین فرمودند.

صحیفه نور ج ۳ ص ۱۹۷

عید غدیر داستان اعتقاد

مجموعه نمایشگاهی ویژه طرح ولایت علوی؛ اكمال دين نبوی

محتوای این مجموعه نمایشگاهی از کتاب «اسرار غدیر» تألیف محمدباقر انصاری و «غدیرشناسی» تألیف محمد دشتی تهیه شده است.



امام خامنه ای دامت الله تعالی

روز عید غدیر که به نام عید ولایت نامیده می شود... روزی است که مفهوم ولایت اسلامی، به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۷ فروردین ۱۳۷۷

مهلت ارسال پاسخ: ۲۸ شهریور ماه
تاریخ قرعه کشی: ۲۹ شهریور ماه
اعلام نتیجه قرعه کشی: ۳۰ شهریور ماه
مشاهده نتیجه قرعه کشی: در وبسایت www.MFPO.ir

جهت شرکت در مسابقه لازم است پاسخ خود را با روش ذیل به شماره ۳۰۰۰۱۹۶۶ پیامک کنید.
در خط اول پیامک بنویسید: **غدیر، داستان اعتقاد** و در خط دوم پاسخ سوالات را در ضمن ۳ عدد پشت سرهم ارسال کنید. مثلاً اگر همه گزینه های شما عدد ۱ است پیام شما باید اینگونه باشد:

غدیر، داستان اعتقاد

۱۱۱

مسابقه مجموعه نمایشگاهی «غدیر، داستان اعتقاد»

زائر گرامی...
با سلام و احترام
لطفاً مجموعه نمایشگاهی «غدیر، داستان اعتقاد» را با دقت مطالعه کرده، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

سه - پیامبر در روز غدیر چه مسئولیتی بر دوش پدران و مادران گذاشت؟

- ۱- پیام غدیر را به فرزندان نشان یاد بدهند.
- ۲- با دوستان امیرالمومنین علی رضی الله عنه دوست و با دشمنانش دشمن باشند.
- ۳- هر دو مورد

دو - چرا پیامبر از اجتماع حاضر در غدیر اقرار زبانی گرفت؟

- ۱- تا این شیوه از بیعت در جامعه اسلامی سنت شود.
- ۲- تا همه به مطلبی واحد التزام دهند و فرصت تحریف از سوی منافقین برچیده شود.
- ۳- هر دو مورد

یک - در روز غدیر بیعت با کدام یک از معصومین علیهم السلام صورت گرفت؟

- ۱- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲- دوازده امام علیهم السلام
- ۳- امام زمان علیه السلام



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس تهران: خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه | آدرس قم: بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی، مجتمع فرهنگی آموزشی | تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

سایت سازمان: www.OGHAF.ir | سایت معاونت: www.MFSO.ir | سایت مجتمع: www.MFPO.ir | غیر قابل فروش (اهدایی)

تهیه و تنظیم و ناشر: مجتمع فرهنگی پژوهشی، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه | نوبت چاپ: تابستان ۹۶ | شمارگان: ۱۷۰۰ دوره | قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان



چرا اعلان ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در مکه یا مدینه انجام نشد؟

خداوند صحرای غدیر را برگزید. بیعت با ولایت، اگر در شهر مدینه و یا مراسم مذهبی دیگری، مطرح می شد، از حضور حداکثری مسلمانان کشورهای اسلامی خبری نبود و چون در آن روزگار رسانه های امروزی وجود نداشت، ابلاغ پیام الهی در محدوده مرزهای مشخص محصور می شد. فرمان الهی پس از خارج شدن از مکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ شد و اگر در شهر مکه یا عرفات یا منا این حقیقت مطرح می شد، شاید جاذبه روز غدیر را نداشت و دل ها را به خود جذب نمی کرد؛ چون همه در حال عبادت و انجام مراسم حج بودند و طبیعی است در این صورت، اعلان ولایت و بیعت با امامت در حاشیه قرار می گرفت و از سوی بدخواهان، امری فرعی تلقی و تبلیغ می گشت.

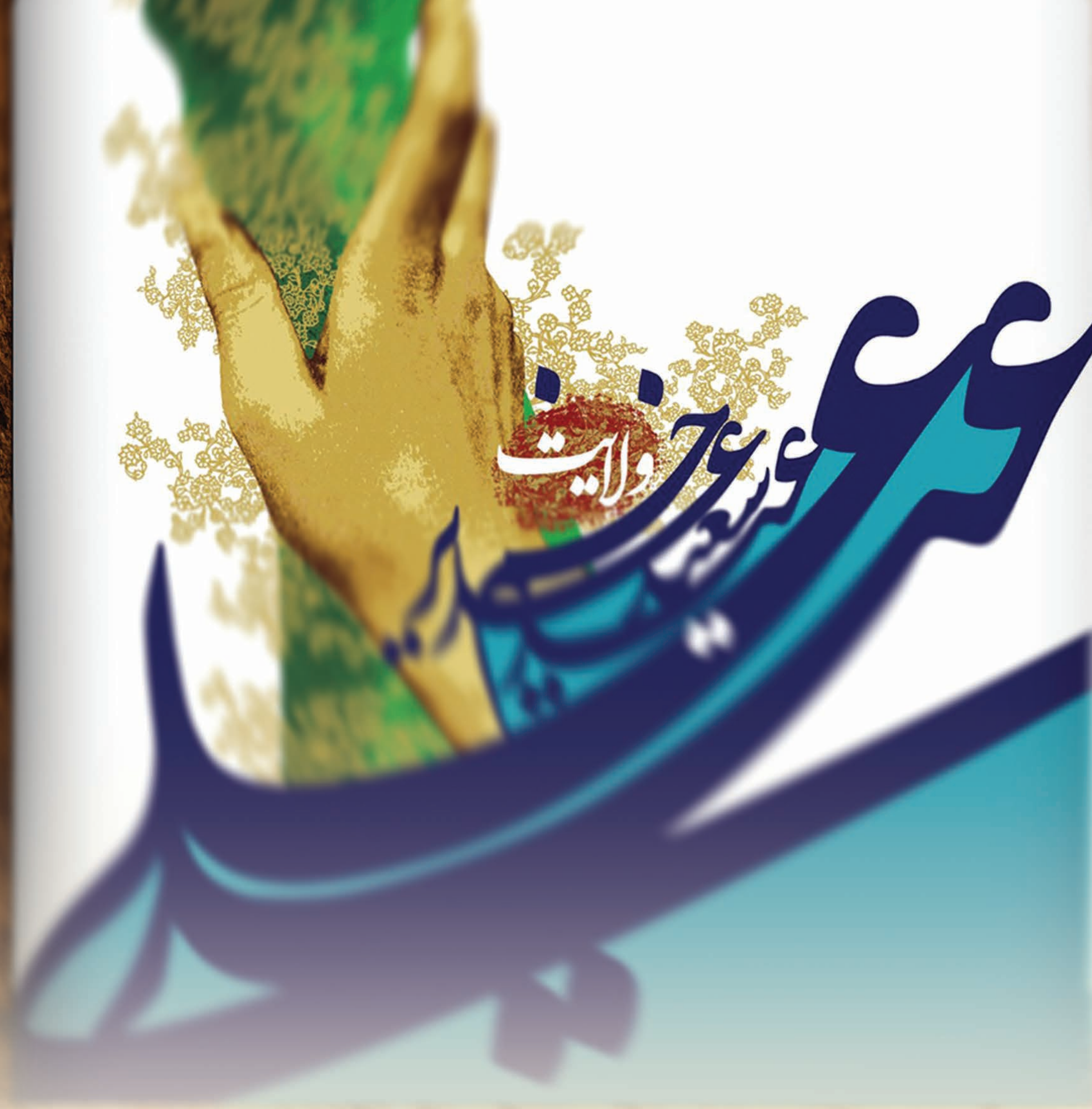
اعتراف
استان
عسکری





چگونه اجتماع ۱۲۰ هزار نفری در غدیر خم شکل گرفت؟!

در سال دهم هجری، پیامبر ﷺ برای اولین بار به طور رسمی اعلان عمومی حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند. علاوه بر اعلام عمومی، این خبر مهم به مناطق دوردستی چون عراق، مصر و یمن هم رسید و از آنجا که پیامبر ﷺ اشاراتی فرموده بودند که امسال، آخرین سال عمر من است، این خبر تکان دهنده می توانست باعث شرکت همه جانبه مردم شود. پیامبر بعد از اتمام مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در غدیر امر نمودند و زمانی که به منطقه غدیر رسیدند، فرمان دادند: «همه مردم متوقف شوند و آنانکه پیش رفته اند بازگردند و آنانکه پشت سر هستند توقف کنند.»



بیعت با امیر المؤمنین علیه السلام از چه زمانی آغاز و تا چه زمانی بطول انجامید؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان خطابه خود از جمعیت حاضر در غدیر بنا به فرمان خداوند عزوجل اقرار زبانی گرفت و فرمود: پس از پایان سخنرانی از شما بیعت خواهم گرفت و شما را به دست دادن با خود او (علی علیه السلام) فرا می خوانم و من از جانب خدا برای او از شما بیعت می گیرم، پس از پایان سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد تا دو خیمه برپا شود سپس دستور داد تا مسلمانان فوج فوج به خدمت امیر المؤمنین علیه السلام رفته و بگویند: «السلام علیک یا امیر المؤمنین»، پس مردان چنین کردند.

آن گاه فرمان دادند تا همسران آن حضرت و زنان مسلمان که همراه ایشان بودند، با امام علی علیه السلام بیعت کنند. برنامه بیعت تا سه روز ادامه داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله این مدت را در غدیر اقامت داشتند و برنامه چنان حساب شده طراحی شده بود که همه مردم در آن شرکت کردند.



اگر امروز زین را انگشانی
و قول علی را به جملین نمایی
و دل اهل ولایت را تربانی
خزانی که تو را داده چینی
فردا جملین هم ابلاغ تو باطل شود از بدو رسالین

طایفه



اگر در آن روز بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام انجام نمی گرفت، چه می شد؟

ولایت امام علی علیه السلام آخرین واجبی بود که خداوند بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اعلام فرمود و پس از آن واجبی دیگری بر آن حضرت نازل نشد! رسالت پیامبر بدون اعلان ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ناتمام می ماند و امت اسلامی بعد از پیامبر بدون راهنمای معصوم، دچار حیران و سردرگمی می شدند و نمی توانستند راه حق را از باطل به درستی تشخیص دهند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه آنچه را که خداوند از علم، نزد ایشان به امانت گذاشته بود به علی علیه السلام انتقال داد و سپس از طریق امام علی علیه السلام به فرزندان معصوم ایشان رسید و اینگونه دین خدا کامل گشت و نعمت تمام شد. هر چند که نگذاشتند راهبری مردم در حاکمیت، در مسیر این ستارگان آسمانی توحید باقی بماند!

اعتقاد استوار



۴

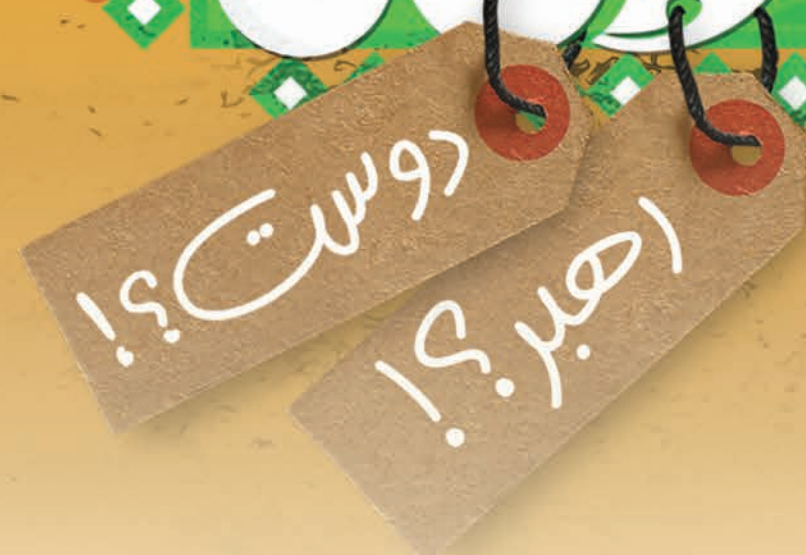


سپس بپا خاست آن مظهر خلق عظیم
به بانگ رسایش دمید روح بعظم رمیم
گفت که هر کس منم جان و مالش ولی
راهنمای شما علی بُود بعد من
علی بود پیشوا بر همه از مرد و زن
بار خدایا تویی با این رسالت گواه



قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

من كنت
مؤلا فمؤلا
علي مؤلا



دست علی را گرفت چون ید بیضا کلیم
بانگی بس دل فزا قول رسول کریم
هست ورا بعد از من ولی و مولی علی
علی امام امت و نیست جز وی کس مؤتمن
ملجاء و مأوای بود علی بسیر و علن
که من نمودم عیان بر همگان شاهراه



آیا کلمه مؤلا در عبارت من كنت مؤلا... به معنای دوست است؟!

با تصور فضای اجتماع عظیم غدیر خم آیا می توان قبول کرد، پیامبر اسلام ﷺ در راه بازگشت از آخرین حج عمر شریف خود، در بیابان های عربستان و در آن هوای گرم و طاقت فرسا صبر کنند و اعلام کنند آنهایی که رفته اند بازگردند و آنهایی که نرسیده اند صبر کنند تا برسند و بزرگترین اجتماع انسانی آن روزگار را تشکیل دهند و همه مردم را در آن هوای گرم به مدت سه روز معطل کنند و خطبه ای طولانی بخوانند و دست علی ﷺ را در دست مبارکشان گرفته و بالا ببرند و یکی یکی از همه حاضران و حتی از زنان بیعت بگیرند ... صرفا برای اینکه بیان کنند من علی را دوست دارم؟

در حالی که قبلا، بارها و بارها این ابراز محبت را به بهانه های مختلف فرموده بودند!!!
آن همه تشریفات فقط برای اعلام احساس محبت به علی ﷺ!!!؟



سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾ لِّلْكَافِرِينَ لِيُسِرَّهُمْ دَافِعٌ ﴿٢﴾

سوره معارج

آیا منظور از هولا این است که علی بن ابی طالب صاحب اختیار ما خواهد بود؟!

جریان حارث فهری نوعی مباحله در مورد مرددین معنای مولی بود. در آخرین ساعات روز سوم واقعه غدیر شخصی به نام مالک بن حارث فهری نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای محمد! تو به ما دستور دادی که به یگانگی خدا و پیامبری خودت شهادت دهیم و به جهاد، حج، زکات، نماز و روزه دستور دادی و ما پذیرفتیم اما به این ها راضی نشدی تا این که علی را به جانشینی خود منصوب کردی و گفتی: من کنت مولاه فهذا علی مولاه، آیا از ناحیه خدا هست یا از ناحیه خودت؟ حضرت فرمودند: قسم به خدایی که جز او معبودی نیست این از ناحیه خداست.

حارث گفت: خدایا اگر آن چه محمد می گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما بباران تا ذلتی برای ما و عبرت برای آیندگان باشد و اگر گفته محمد دروغ است بر او عذابی وارد کن. همین که سخن حارث تمام شد و به راه افتاد سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت و آیه ای نازل گشت.

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ



ماجرای عجیب «اقرار زبانی» چه بود؟

«ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست بیعت بدهید. پروردگارم مرا مأمور کرده است که درباره آنچه برای علی امیرمومنان و امامانی که بعد از او می آیند منعقد نمودم، از زبان شما اقرار بگیرم...»

با بیان این فرازها، پیامبر در اقدامی عجیب از جمعیت حاضر در غدیر اقرار زبانی گرفت. از آن جا که این بیعت بر سر یک مسئله زودگذر نبود، بلکه بر سر یک اعتقاد آن هم به بلندای ابدیت بود، از این رو حضرت، عبارات مفصلی را بر زبان مبارک جاری کردند تا هرکس به شکلی خاص برای خود اقرار نکند، بلکه همه را به مطلبی واحد التزام دهند و بیعت کنند. پس از مردم خواستند عیناً جملات را تکرار کنند تا فرصت تحریف از سوی منافقان برچیده شود.

اعتقاد استوار





آیا در روز غدیر تنها بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام مطرح بود؟

با مراجعه به متن خطبه غدیر و مطالعه آماری از موضوعات و کلمات استفاده شده در خطبه غدیر توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوجه می شویم ماموریت پیامبر صلی الله علیه و آله، اخذ بیعت برای امام علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان بوده است، چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر، ده بار بیعت با امام علی علیه السلام، ده بار از ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، بیست بار از حکومت امام مهدی علیه السلام سخن گفته‌اند و چهار بار نیز، نام مبارک امام عصر را با نام مهدی علیه السلام یاد کرده‌اند.

ای مردم! من پیامبرم و علی وصی من است!

... آگاه باشید که خاتم امامان، مهدی قائم از ماست، او بر همه ادیان چیره می‌شود و از ستمگران انتقام می‌گیرد!





پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم چه مسئولیتی را بردوش والدین گذاشتند؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله در اجتماع بزرگ غدیر بر همه پدران و مادران واجب نمودند تا روز قیامت، پیام غدیر را به فرزندان خویش برسانند و به امامت دوازده امام اعتراف و با امام علی علیه السلام بیعت کنند، با دوستان علی علیه السلام دوست و با دشمنانش دشمن باشند. ... ای مردم! این حجتی است بر هر حاضر و غایب و بر هر کس که در اینجا حضور داشته و یا نداشته، تاکنون بدنیا آمده است و یا هنوز بدنیا نیامده است. پس تا روز قیامت این امر را هر حضری به غایب و هر پدری به فرزند خود برساند! بدیهی است روش رساندن پیام غدیر (که پیام ولایتمداری و تولی و تبری است) با توجه به فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت می‌باشد و بر پدران و مادران لازم است با بکارگیری ابزارهای مختلف و امروزی مثل قصه و بازی و ... اصل پیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در روز غدیر خم با عشق و محبت به فرزندان خود منتقل کنند.



اگر امام را خدا نصب می کند، پس آزادی و اختیار انسانها چه می شود؟!

کار خداوند، هدایت است. همانگونه که خوبی ها و بدی ها را معرفی می کند و راه سعادت و شقاوت را نشان می دهد، امام حق و پیشوای هدایت را نیز معرفی می کند؛ اما انسان ها در انتخاب رهبر آزادند، می توانند امام حق را انتخاب کنند و به سعادت برسند یا مخالفت کنند و گمراه شوند؛ آن گونه که در دیگر رهنمودهای الهی گروهی رستگار و گروه دیگر منحرف گشتند.

پس از حادثه غدیر نیز گروهی امامت علی علیه السلام را انکار و غصب کردند و گروهی اندک بر ولایت و رهبری آن حضرت وفادار ماندند و انواع شکنجه ها را به جان خریدند؛ پس اعلام وحی و اعلان امام، تضادی با اختیار انسان ندارد و در راستای همان سنت همیشه گی هدایت بشر است.

اعتقاد
استان
عسکری



۱۰

المستدرك على الصحيحين

١١٩ - كتاب معرفة الصحابة / ٤٥٧٨، ٤٥٧٩

١٧٦/٤٥٧٨ - حدثنا محمد بن صالح بن هان، ثنا أحمد بن منصور، أخبرنا محمد بن علي الشيباني بالكوفة، ثنا أحمد بن حازم الغفاري.

وأبنا محمد بن عبد الله العمري، ثنا محمد بن إسحاق، ثنا محمد بن يحيى، وأحمد بن يوسف قالوا: ثنا أبو نعيم، ثنا ابن أبي غنية، عن الحكم، عن سعيد بن جبيرة، عن ابن عباس، عن بريدة الأسلمي رضي الله عنه قال: غزوت مع علي إلى اليمن فرأيت منه جفوة فقدمت على رسول الله ﷺ فذكرت علياً فتنصته فترأيت وجه رسول الله ﷺ يتغير فقال: يا بريدة ألسنت أوبى بالمؤمنين من أنفستهم قلت: بلى يا رسول الله فقال: ومن كنت مولاه فعلي مولاه وذكر الحديث.

هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه.

١٧٧/٤٥٧٩ - حدثنا أبو عبد الله محمد بن يعقوب الحافظ، حدثني أبي، ومحمد بن نعيم قالوا: ثنا قتيبة بن سعيد، ثنا جعفر بن سليمان الضبيعي، عن يزيد الرشك، عن مطرف، عن عمران بن حصين رضي الله عنه قال: بعث رسول الله ﷺ سرية واستعمل عليهم علي بن أبي طالب رضي الله عنه فمضى علي في السرية فأصاب جارية فأفكروا ذلك عليه فتماعق أربعة من أصحاب رسول الله ﷺ إذا لقينا النبي ﷺ لأخبرناه بما صنع علي قال عمران: وكان المسلمون إذا قدموا من سفر بدعوا برسول الله ﷺ فنظروا إليه وسلموا عليه ثم انصرفوا إلى رحالهم فلما قدمت السرية سلموا على رسول الله ﷺ / فقام أحد الأربعة فقال: يا رسول الله أتم تر أن علياً صنع كذا وكذا فأعرض عنه، ثم ٣/١١١ قام الثاني فقال مثل ذلك فأعرض عنه، ثم قام الثالث فقال مثل ذلك فأعرض عنه ثم قام الرابع فقال: يا رسول الله أتم تر أن علياً صنع كذا وكذا فأقبل عليه رسول الله ﷺ والغضب في وجهه فقال: «ما تريدون من علي علياً مني وأنا منه وولي كل مؤمن».

هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه.

٤٥٧٨ - سكت عنه الذهبي في التلخيص.
٤٥٧٩ - سكت عنه الذهبي في التلخيص.

اعتراف حاكم نيشابوري در مورد واقعه غدیر

الجامع الكبير

للإمام الحافظ أبي عيسى محمد بن عيسى الترمذي
المؤلف سنة ٢٧١ هـ

هذا حديث حسن غريب^(١) لا تعرفه إلا من هذا الوجه^(٢) من حديث جعفر بن سليمان.

٣٧١٣ - حدثنا محمد بن بشر، قال: حدثنا محمد بن جعفر، قال: حدثنا شعبة، عن سلمة بن كهيل، قال: سمعت أبا الطفيل يحدث، عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم، شك شعبة، عن النبي ﷺ قال: «من كنت مولاه فعلي مولاه»^(٣).

هذا حديث حسن غريب^(٤).

وقد روى شعبة هذا الحديث، عن ميمون أبي عبد الله، عن زيد بن أرقم، عن النبي ﷺ نحوه.

وأبو سريحة هو: حذيفة بن أسيد صاحب النبي ﷺ.

٣٧١٤ - حدثنا أبو الخطاب زياد بن يحيى البصري، قال: حدثنا أبو

الملاية لابن (٢٩٢٩).

(١) هكذا في م وهو الموافق لما نقله المزي في الصحفة، وفي ي و س: «غريب فقط، وما أئنته هو الأولى.

(٢) قوله: «من هذا الوجه» ليست في م.

(٣) أخرجه الطبراني في الكبير (٣٠٤٩)، والحاكم ١٠٩/٣، وانظر تحفة الأشراف ٢١/٣ و١٩٥ و١٩٥ و٣٢٩٩ و٣٦٦٧، والمسند الجامع ٧٤/٥ حديث (٣٢٦٠)، وصحيح الترمذي للملاية الألباني (٢٩٣٠)، والسلسلة الصحيحة، له (١٧٥٠). وانظر بقية طرقه عن زيد بن أرقم في المسند الجامع ٥٠٥-٥٠٣/٥ الأحاديث (٣٨٢٦) و(٣٨٢٧) و(٣٨٢٨).

(٤) في م: «حسن صحيح» خطأ، وما أئنته من ت و ي و س، وهو الأولى فإن الحديث وبهذه اللفظة فقط لا يرتقي إلى أكثر مما ذكر المصنف. أما الزيادات المذكورة في بعض طرقه فكلمها منكراً.

اعتراف ترمذي در مورد حديث غدیر

المجمع الكبير

للإمام أبي القاسم سليمان بن أحمد الطبراني

زيد بن وهب عن زيد بن أرقم

٤٩٨٥ - حدثنا إبراهيم بن نائلة الأصبهاني ثنا إسحاق بن عمرو البجلي ثنا أبو إسرائيل الملائي عن الحكم عن أبي سليمان زيد بن وهب عن زيد بن أرقم قال: ناشد علي الناس في الرجعة من سمع رسول الله ﷺ يقول الذي قال له؟ فقام بيته عشر رجلاً فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله ﷺ يقول: «اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه»، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال زيد بن أرقم: فكننت فيمن كننت، فذهب بصري، [وكان علي رضي الله عنه دعا على من كننت].

يحيى بن جعدة عن زيد بن أرقم

٤٩٨٦ - حدثنا علي بن عبد العزيز ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت حبيب بن أبي ثابت يحدث عن يحيى بن جعدة عن زيد بن أرقم قال: خرجنا مع رسول الله ﷺ حتى انتهينا إلى غدير خم أمر بدوح فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرأ منه، فحمد الله وأثنى عليه

٤٩٨٥ - قال في المجمع (١٠٦/٩) روى الطبراني في الكبير والأوسط (٣٤٤) مجمع البحرين خلافاً من ذهب الجسر والكتان وذهب علي بن دؤيب عنده وكان دعا على من كننت رجلاً الأوسط فقط. قلت وسأني (٤٩٦٦) من طريق أبي سليمان المؤدب بدل أبي سليمان زيد بن وهب وذهب من أوامهم يحيى الخزاز. قال الحافظ الهيثمي في المجمع (١٠٧/٩) روى أحمد وذهب أبو سليمان مؤ أصره إلا أن يكون بشير بن سلمان، فإن كان هو فهو ثقة، وبقية رجاله ثقات. قال الحافظ ابن حجر: أبو سليمان هو زيد بن وهب كما وقع عنه الطبراني. ودروية الأوسط من طريق أبي الطفيل، ومن طريقه روى أحمد (٤/٤٧٠) إلا أن في طريق أحمد نظير خلقه عن أبي الطفيل ويحدث الأوسط عن حبيب بن أبي ثابت عن الأريث - قال في المجمع (١٠٤/٩) رجال أحمد رجال الصحيح غير فطر بن خليفة وهو ثقة. ودروية أحمد (٣٧٢/٤) من طريق ميمون أبي عبد الله عن زيد قال في المجمع (١٠٤/٩) وفيه ميمون أبو عبد الله البصري ثقة ابن حبان وضعفه جماعة وبقية رجاله ثقات. وروى الترمذي (٣٧١٧) منه ومن كنت مولاه فعلي مولاه وحسنه، لكنه بالشك بين زيد وأبي سريحة. ورواه الحاكم في المستدرک (١٠٩/٣) مطولاً بتأسيده وحسنه على شرط المشيخين ولم يتبعه الذهبي بالقرآن ولا التكرار.

-١٧١-

اعتراف طبراني در مورد حديث غدیر

آیا خطبه غدیر در منابع و یا تواریخ اهل سنت آمده است؟

در طول قرن‌های متمادی، متن خطبه غدیر بین منابع حدیثی و تاریخی شیعی و سنی بصورت مفصل نقل شده که در میان راویان، حدود ۱۱۰ نفر از صحابه پیامبر (که همگی مورد احترام و اعتماد اهل سنت هستند) در محل غدیر حاضر بوده و این حدیث ارزشمند را بی‌واسطه نقل کرده‌اند و همچنین ۸۳ نفر از تابعین و ۳۶۰ نفر از علمای اهل سنت نقل کننده حدیث غدیر به‌شمار می‌آیند. مجموعه‌ی جامعی از نقل قول‌ها و احادیث در مورد «حدیث غدیر خم» است که در کتب اهل سنت من جمله «مسند احمد بن حنبل»، «تاریخ مدینات دمشق ابن عساکر»، «البدایة و النهایة ابن کثیر» و «الولایة محمد بن جریر طبری» به آن اشاره شده است.

